

پلمب ۴ صرافى

دستگيرى ۵۱ اخلاگر بازاراز

گروه حوادث/ ۵۱ اخلاگر ارازى در دومين طرح سراسرى مبارزه با اخلاگران بازاراز دستگير و بيش از يك ميليون و ۳۰۰ هزار انواع ارز از آنها كشف شد. سردار محمدرضا مقبمى، رئيس پليس امنيت اقتصادى ناجا در تشریح جزئیات این خبر، اظهار داشت: با توجه به نوسانات اخير بازار ارز و حضور سوداگران ارزى و اقدامات آنها برای متشنج کردن این بازار، برای مقابله و برخورد قانونى با مجرمان ارزى، دومين طرح سراسرى مبارزه با اخلاگران بازار ارز به مدت ۷۲ ساعت اجرا شد. در طرح مذکور ۵۱ سوداگر و اخلاگر ارزى دستگير و چهار صرافى متخلف پلمب و بيش از يك ميليون و ۳۰۰ هزار انواع ارز كشف شد. این مقام ارشد انتظامى با اشاره به اينكه متهمان دستگير شده برای سير مراحل قانونى تحويل مراجع قضايى شدند، گفت: امنيت اقتصادى مردم خط قرمز اين پليس بوده و پليس با برهم زندگان امنيت اقتصادى بشدت برخورد قانونى مى كند.

■ بازداشت سرشبكه اصلى

سردار حسين رحيمى – رئيس پليس پايتخت نيز درباره دستگيرى يکى از مهمترين عناصر اخلاخل در بازار ارز گفت: اين فرد که هم «معاملات فردايى» انجام مى داد و هم یک شبکه ۳۰ نفره را رهبرى مى کرد در يکى از شهرهاى غرب کشور دستگير شد. ماموران پليس پايتخت از مدت ها قبل اين فرد را تحت نظر داشتند و حتى خود فرد مجرم نيز با اطلاع از تحت تعقيب بودنش، در صندوق عقب خودرو جايچا مى شد. در ادامه اين عمليات حدود ۲۴ نفر از اعضاى باند وى نيز که در فضاي مجازى و حقيقى فعاليت مى کردند و اقداماتشان بر نوسانات بازار ارز تاثير زيادى داشت دستگير شدند.

حبس ، تبعيد و شلاق

مجازات ربودن مردان ثروتمند

گروه حوادث/ اعضاى باند ۷ نفره که برای اخاذى ميلياردى اقدام به ربودن سربالاي یک برج ساز و ۳ مديرعامل شرکت هاى معروف کشور کرده بودند با حکم دادگاه به زندان، تبعيد و شلاق محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ايران»، رسيدگى به اين پرونده از اسفند سال ۹۶ به دنبال شکايت یک برج ساز آغاز شد. وى در توضيحاتش به مأموران گفت: ساکن منطقه ظفر هستم روز حادثه وقتى برای انجام کارى از خانه خارج شدم ۳ مرد جوان با معرفى خودشان به عنوان مأمور پليس، خودروام را متوقف کردند و مدعى شدند که حکم جلبم را دارند. در ابتدا مقاومت کردم اما آنها به پاهایم شوکر زدند و به زور من را سوار يک ون کردند و به حاشيه تهران بردند. پس از آن کارت شناسايى و عاير بانکم را از من گرفتند و ۱۸ميليون تومان از حسابم برداشت کردند. بعد هم از من خواستند که به آنها ۵ ميليون دلار پول پرداخت کنم. من هيچ کدام از آنها را قبلا نديده بودم و با کسى هم خصومتى ندارم اما فکر مى کنم آنها توسط فرد ديگرى اجبر شده بودند.

پس از اظهارات شاکى، رديابى عاملان آدم ربايى آغاز شد و از طريق شماره پلاک خودرو سارقان ۳ متهم شناسايى و بازداشت شدند و به اتهام آدم ربايى و سرقت در شعبه هم دادگى کيفرى يک استان تهران محاکمه شدند.

■ شناسايى سرکرده باند

در جلسه دادگاه متهمان عنوان کردند: ما سرکرده باند را نديده ايم فقط تلفنى با او صحبت کرده ايم. او در ازاي پرداخت پول از ما خواست تا مرد برج ساز را سوار خودرو کنيم و از او پول بگيريم. بعد از اين ادعاها پرونده برای تکميل تحقيقات بار ديگر به پليس آگاهى برگردانده شد.

با تکميل تحقيقات و بررسى شماره تلفن ها مرد ميانسالى رديابى و بازداشت شد و در بررسى هاى بيشتر مشخص شد که اين شخص پيش تر هم با همين شبوه ۳ مديرعامل شرکت هاى معتبر را ربوده است.

يکى از شاکى ها که مديرعامل يکى از شرکت هاى گلديران است، گفت: مدتى قبل از سوي چند مرد ناشناس که خودشان را مأمور معرفى کرده بودند ربوده شدم و آنها در قبال دريافت چند فقره چک آزادم کردند.



■ محاکمه سردرسته باند و همدستانش

صبح روز گذشته ۷ متهم به اتهام مشارکت در آدم ربايى، ضرب و جرح، غصب عنوان، استفاده از اسناد جعلى در شعبه دهم دادگاه کيفرى یک استان تهران پای ميز محاکمه ايستادند.

در ابتداى جلسه مرد برج ساز گفت: من رئيس باند را از قبل مى شناختم. او به دفتر کار يکى از دوستانم که صاحب معدن بود رفت و آمد داشت و بعد از دستگيرى فهميدم او مدير دفتر پسرعمويش که صاحب معدنى بزرگ است بوده و از همين طريق هم نقشه آدم ربايى را کشيده است.

مدير شرکت گلديران نيز عنوان کرد که متهمان از وى ۳ميليون يورو پول خواسته بودند و ۲ شاکى ديگر پرونده نيز برای متهمان درخواست اشد مجازات کردند.

وقتى متهم اصلى به اسم اصغر به جاىگاه رفت همه اتهام ها را رد کرد و گفت: من بى گناهم و متهمان ديگر بى دليل مرا به عنوان رئيس معرفى کرده اند.

در ادامه ۳ متهم بازداشتى پرونده به قاضى گفتند: اصغر سرکرده باند بود و خودش را فردى نيکوار معرفى کرده بود و از اين طريق به ما نزديک شد. او پس از مدتى به ما گفت اگر اين افراد را برباييم پول خوبى به ما مى دهد.

۳ متهم ديگر نيز که با وثيقه آزاد بودند مدعى شدند: از نقشه آدم ربايى مطلع نبودند و اصغر آنها را فریب داده بود.

در پايان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده، اصغر را به ۱۵سال زندان، اسال تبعيد به شهرستانى دورافتاده و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کردند و سه همدست وى نيز هرکدام به ۳ سال زندان محکوم شدند و سه متهم ديگر پرونده هم از اتهام آدم ربايى تبرئه شدند.

- چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۹
- سال بيست و ششم
- شماره ۷۴۰۶

سه ماه مهلت زندگى

برای پسر اعدامى

گروه حوادث/ خانواده پسر جوانى که در جريان یک درگيرى به دست پسر همسايه

کشته شده بود هنگام اجرای حکم اعدام قاتل، به حرمت اعياد قربان و غدیر از اين کار صرف نظر کرده و برای سه ماه به وى مهلت زندگى دادند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ايران»، شامگاه ۱۲ آبان سال ۸۹ درگيرى مرگبارى بين دو پسر جوان مقابل خانه اى در کهریزک به پليس اعلام شد و جوانى که زخمى شده بود بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما زخمى که از ناحيه پهلوی خورده بود او را به کام مرگ کشاند.

مرگ پسر ۲۵ ساله تحقيقات را برای رازگشايى از اين جنايت شبانه در مسير جديدى قرار داد. در تحقيقات ميدانى مشخص شد شب حادثه پسر جوانى به نام شايان به مقابل خانه مقتول آمده و لحظاتی بعد بين مقتول به نام سهراب و قاتل درگيرى رخ مى دهد. در اين درگيرى شايان ضربه اى با چاقو به مقتول مى زند و از محل زندگى مى شود.

با شناسايى هويت متهم فرارى که يکى از هم محلى هاى مقتول بود، مأموران

گروه حوادث/ مرد جوان که با موهايى رنگ شده

ولباس و آرايش زنانه دستگير شده بود به سرقت ده ها باترى خودرو اعتراف کرد. اين مرد يکى از ۶۳۵ متهمى است که در سى و هفتمين مرحله از طرح رد بازداشت شده است.

سرکلانتر پنجم پليس پيشگيرى تهران بزرگ در رابطه با شگرد عجيب اعضاى اين باند گفت: مدتى قبل با شکايت هاى سربالاي مالکان خودروهاى پرايد مبنى بر سرقت باترى مواجه شديم. پس از بازينى دوربين هاى مدار بسته متوجه شديم که دو مرد به همراه يک زن سوار بر خودروى پرشيا مقابل خودروهاى پرايدى که در کنار خيابان پارک بوده توقف کرده و باترى هاى آنها را به سرقت مى بردند. در حالى که سارقان طورى صحنه سازى کرده بودند که به نظر برسد سومين عضواى باند خانم است اما در بررسى هايمان متوجه شديم که او مردى است که مانند و شال زنانه به تن کرده تا خود را زن نشان دهد. سرهنگ حسن وند ادامه داد: با شناسايى محل تردد سارقان، آنها شناسايى شدند و زمانى که مأموران برای دستگيرى آنها وارد عمل مى شوند؛ در جريان تعقيب و گريز به عمد با موتورسيکلت مأموران تصادف کرده و باعث مجروح شدن اين مأمور شدند اما در نهايت هر سه متهم را بازداشت کرديم.

■ گفت وگو با مردزن نما

شبى چند سرقتى انجام مى دادى؟

حدوداً ۱۵ تا ۱۵ باترى پرايد را سرقت مى کرديم باترى ها را ۷۰ هزار تومان مى فروختيم در حالى که قيمت اين باترى ها خيلى بيشتر بود.

چرا لباس زنانه مى پوشيدى؟

من سابقه دار بودم و مى دانستم که دوربين هاى مدار بسته تصويرم را مى گيرد. برای همين تصميم

خريد پنهانى بازى اينترنتى

با کارت ملکر

گروه حوادث/ پسر نوجوان که برای خريد بازى اينترنتى مخفيانه از حساب مادرش پول برداشت کرده بود از سوي پليس لو رفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ايران»، هذهم خردادماه خانمى ۴۰ ساله ساکن جنوب تهران با ارائه شکايتى از دادرساى مبارزه با جرايم رایانه اى (ناحیه ۳۱ تهران) به پليس فتا مراجعه کرد و اظهار داشت، مبلغ ۶۰ ميليون ريال از حساب وى برداشت

شده است. شاکى ادامه داد، اين مبلغ از حساب پس اندازم به دفعات مختلف برداشت شده است در حالى که کارت من دست کسى نبوده است.

بدین ترتیب بررسی موضوع در اختیار تیمی از مهندسان پليس فتا قرار گرفت و کار آگاهان دريافتند که سامانه يابمکى حساب بانکى شاکى فعال نبوده و او پس از گذشت چند روز متوجه سرقت از حساب کارتن اش مى شده است و تکرار اين کسرى موجودى موجب شده به پليس فتا برای شناسايى متهم يا متهمان مراجعه کند. سرهنگ «داود معظمى گودرزى»، رئيس پليس فتا تهران در اين باره گفت: در گام بعدى از تحقيقات پليسى مشخص شد که تراکنش هاى پولى از کوشى هوشمند خود شاکى

وارد عمل شده و متهم جوان را دستگير کردند. شايان در تحقيقات با اعتراف به جنايت گفت: نمى خواستم او را به قتل برسانم، به سراغش رفتم تا با او کمى صحبت کنم و دست از سر خواهرم بردارد. سهراب مدتى بود که برای خواهرم ايجاد مزاحمت مى کرد و چند بارى به او تذکر داده بودم. اما بى فايده بود، شب حادثه تصميم گرفتم به سراغش بروم تا با او صحبت کنم. اما درگيرى بين ما بالا گرفت و من دست به چاقو شدم. بدنبال اعتراف متهم جوان و بازسازى صحنه قتل، پرونده او برای صدور حکم به دادگاه ارجاع شد. باتوجه به درخواست اولياى دم، اعتراف متهم به جنايت و مدارک و شواهد موجود در پرونده، دادگاه پسر جوان را به قصاص محکوم کرد. با تأييد اين حکم در ديوانعالى کشور و با گذشت حدود ۱۰ سال از اين جنايت، پسر جوان چند روز قبل برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت اما در آخرين لحظات با تلاش واحد صلح و سازش دادرساى امور جنايى، اولياى دم اعلام کردند به حرمت ماه حج و اعياد پيش رو به متهم ۳ماه مهلت مى دهند. بدین ترتيب پسر جوان بار ديگر به زندان برگشت.

سرقت باترى خودرو

بالباس و آرايش زنانه



خودروى شاسى بلندم را به دوستم امانت داده ام و هم پليس تصور کند که دو مرد و يک زن برای سرقت باشد بعد اعتمادشان را جلب مى کردم و مقدارى هم پول به آنها مى دادم آنها هم قبول مى کردند و زنانه من بشوند. بعد از يکى دو روز که سوار خودروشان مى شدم از آنها مى خواستم مرا به مغازاى بيريدن تا سونيج خودروى شاسى بلندم را که دست صاحب مغازه است بگيرم. زمانى که راننده از خودرو پياده مى شد خودرو را به سرقت مى بردم. بعد هم لوازم داخل آن را سرقت کرده و خودروها را رها مى کردم.

■ سرقت خودرو به بهانه استخدام راننده

يکى ديگر از متهمان دستگير شده در اين طرح مرد جوانى است که قرص هاى روانگردان مى فروخت اما اين بار به اتهام سرقت خودرو دستگير شده است. متهم درباره شگرد خود گفت: سوزه ايم را در پارک ها شناسايى مى کردم و به سراغشان رفته و طرح دوستى مى ريختم. مى گفتم

انجام شده است و احتمال کپي بردارى از کارت هاى شاکى و يا سرقت هاى اينترنتى ضعيف شد. در ادامه مشخص شد که اين زن داراي فرزند نوجوانى است و در اين مرحله از شاکى خواسته شد که به همراه فرزند خود به پليس فتا مراجعه کند. اين مقام پليسى تصريح کرد: با حضور فرزند شاکى به پليس فتاوى اعترف شد، بدون اجازه پدر و مادرش رمز دوم و رمز پوياى کارت مادرش را فعال کرده است و براى خريد بازى هاى آنلاين از حساب بانکى اش مبالغى را برداشت کرده است. اما زن جوان وقتى علت کسرى موجودى خود و برداشت بدون اجازه فرزندش را دريافت از ادامه شکايت خود منصرف و خواهان مخومه شدن پرونده شد.

جنايت مرد قنادر به خاطر همسر سابق

گرفت. در ابتداى جلسه اولياى دم را مى دانست و حتى پيامک هاى درخواست ملاقات من و فرزندم را

خودش برای احمد مى فرستاد اما او هر بار به بهانه اى مانع اين ملاقات مى شد. تا اينکه روز حادثه رسول به سراغ احمد رفت تا با او صحبت کند و رضائتش را براى اينکه من فرزندم را ببينم جلب کند. احمد قنادر بود و در يک شيرينى فروشى در محمدشهر کار مى کرد اما نمى دانم چه اتفاقى بينشان افتاد که با هم درگير شده و احمد با چاقويى که داشته است رسول را به قتل رساند.

احمد پس از اعتراف به جنايتى که مرتکب شده بود صبح روز دوشنبه پنجم مرداد در شعبه یکم دادرساى جنايى استان البرز به رياست قاضى محمد عنبرى تحت بازجويى قرار

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

آتش در پارکینگ

خودروهاى سنگين



گروه حوادث/ آتش سوزى در پارکینگ خودروهاى سنگين

کرمانشاه با مصدميت ۵ نفر پايان يافت.

«جليل بالايى»، مديرکل مديريت بحران استان کرمانشاه در گفت وگو با خبرنگار ايلنا درباره جزئيات آتش سوزى در پارکینگ خودروهاى سنگين در کرمانشاه گفت: اين آتش سوزى در ساعت ۱۱:۱۵ ظهر سه شنبه در محله دولت آباد سر چهل متری در پارکینگ خودرو اعتماد اتفاق افتاده است. با اعلام موضوع تمام نيروهاى امدادى از جمله آتش نشانى و اورژانس به محل حادثه اعزام شدند و حتى از پالايشگاه و مرکز پخش نفت نيز برای اطفاى حريق نيرو اعزام شده است.

وى درباره علت اين حادثه خاطرنشان کرد: هنوز علت حادثه مشخص نيست، اما اين مکان پارکینگ خودروهاى سنگين است که به احتمال زياد محموله آنها مواد سوختنى بوده است.

«مجتبى خالدى»، سخنگوى اورژانس کشور نيز گفت: اين حادثه در پارکینگ تانکر حمل سوخت رخ داده است و ۵ نفر مصدم شده اند که ۴ نفر از آنها از نيروهاى آتش نشانى بوده اند. طبق دستور و اطلاع رسانى فرمانده ميدان حدود ساعت یک و نيم بعد از ظهر عمليات اطفاى حريق به طور کامل توسط تيم هاى عملياتى آتش نشانى به پايان رسيد و وضعيت سفيد و پايان عمليات به تمامى واحدها اعلام شد.

جسد زنى

روى گارى دستى

گروه حوادث/ مرد معتاد که جسد زنى را درون چرخ دستى انداخته و با خود مى برد وقتى متوجه کارگران شهردارى شد، گارى دستى را با جسد رها کرد و گريخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ايران»، ساعت ۴ بعدازظهر دوشنبه ۶ مرداد کارگران شهردارى در پارکى واقع در خيابان مرادى، ميدان قزوين به مرد معتادى مشکوک شدند که گارى به دست در حال انتقال کارتن پاره يک اجاق گاز بود. با اين تصور که مرد معتاد زنابه جمع کن است به طرف او رفته و از او خواستند تا داخل گارى را ببينند.

اما مرد معتاد با ديدن کارگران شهردارى ناگهان وحشت زده گارى را رها و فرار کرد. کارگران شهردارى که از اين رفتار مرد متعجب شده بودند به سراغ گارى رها شده رفتند اما به محض کنار زدن کارتن پاره با جسد زن جوانى روبه رو شدند. بدین ترتيب موضوع به مأموران کلانترى ۱۱۵ رازى و سپس به بازپرس کشیک قتل پايخت اعلام شد.

بدین ترتيب تيم تحقيق راهى محل شدند، در تحقيقات اوليه آنها با جسد زن جوان در حالى مواجه شدند که چند ساعتى از مرگ وى مى گذشت اما به شدت بدبو و کثيف بود. همچنين روى بدنش آثار خراشيدگى، درگيرى يا کبودى وجود نداشت و آثارى از خفگى و قتل نيز به چشم نمى خورد.

در تحقيقات ميدانى نيز کارآگاهان دو لنکه کشف کتانى مردانه پيدا کردند که نشان مى داد مرد معتاد هنگام فرار آنها را جا گذاشته است. بازپرس محمدجواد شفيعى دستور انتقال جسد به پزشکى قانونى برای مشخص شدن علت مرگ را صادر کرد.

همچنين بازپرس شعبه پنجم دادرساى امور جنايى تهران دستور بررسى پرونده هاى قنادى و شناسايى هويت زن جوان و شناسايى و بازداشت مرد معتاد را صادر کرد.

نگاه کارشناس

قاضى محمد عنبرى بازپرس شعبه یکم دادرساى امورجنايى

استان البرز

کنترل خشم در هرشرائطى یک مهارت است و فرد بايد پياموزد که چگونه در شرايط بحراني خشم و رفتار خود را کنترل کند. نکته مهمتر اينکه برای حل برخى اختلافات مى توان به صورت قانونى اقدام کرد تا در جريان رفتارهاى پر تنش خسارت قرار نگيريم. بيشتر قتل ها در شرايط غيرعادى و در زمانى رخ مى دهد که تحمل و توان ذهنى فرد در سطح پايينى قرار گرفته است وقتى که خشم بر شما مستولى مى شود، اگر توانيد آن را مهار کنيد اتفاقات جبران نا پذيرى رخ مى دهد.

هر آدمى ممکن است عصبانى شود اما هرکسى که عصبانى شد محزون نيست و عصبانيت رافع مسئوليت کيفرى نيست و اگر تشخيص دهيم که کسى به علت عصبانيت مرتکب عملى شده است سبب نمى شود که او را فاقد عصبانيت تشخيص دهيم و با معايينات دقيق در پريزشکى قانونى و نتيجته آزمياشت روانى اين دو مساله تميز داده خواهد شد. بنابر اين کسى نمى تواند بپايان اينکه من دريک لحظه عصبانى شدم فردى را به قتل برسانم و بايد پاسخگوى اعمالش باشم.